

### چند می‌گیری بیای خواستگاری؟!

به‌تازگی صفحاتی در فضای مجازی در حال فعالیت هستند که خدمتی غریب و بدیع ارائه می‌دهند؛ ارسال خواستگار صوری به تمام شهرهای ایران! بهانه اجاره خواستگار که با هزینه‌ای بالای ۱۰۰هزار تومان انجام می‌شود نیز کسب آبرو و اعتبار بین اقوام و آشنایان بیان شده است. در واقع فردی به‌عنوان خواستگار یا پیش می‌گذارد تا خانواده دختر بتوانند به دیگران اعلام کنند که دختر آنها نیز خواستگار دارد و البته درنهایت جواب منفی می‌دهند؛ هر چند کم‌وبیش این موضوع شبیه شوخی به‌نظر می‌رسد اما چه موضوعی باعث‌شده برخی حاضر شوند برای چنین نمایشی پول پرداخت کنند؟ نمایشی که می‌تواند عوارض جدی بر سلامت روان دختران جوان داشته باشد؟!/روزنامه‌خراسان

### هر چه آدم‌های دنیا عجیبند، رسم و رفتارهای خواستگاری‌شان عجیب‌تر است

# «امر خیر» ما، «ویل یومری می» آنها



زینب چایی

.....

نویسنده‌ای که

خواستگارش را با

یک فنجان چای شور

نمک‌گیر کرد

«زینب جان! به چایی دیگه بریز» من که برای قرار با رفقای دبیرستان دیرم شده‌بود و به حساب خودم تا همان‌جا هم با حضورم برایشان خیلی مرام گذاشته‌بودم، جوروی که انگار مشترک مورد نظر در دسترس نمی‌باشد، از نشان دادن هرگونه علائم حیاتی خودداری کردم. مادرش خندید، با یک دست چادرش را مرتب کرد و جواب داد: «من که دیگه میل ندارم». در دلم برای امواتش صلوات فرستادم و به مادرم که می‌فهمیدم دندان‌هایش را از حرص من روی هم فشار می‌دهد، لیخند پیروزمندانهای زدم که ناگهان ندا آمد: «من به چای دیگه می‌خوام اگه زحمتی نباشه». صدای جیلیز ویلیز-سیم‌های اعصاب اجازه نداد حرفی بزنم یا چیزی بشنوم. رفتم آشپزخانه و هرچه بلد بودم را حواله خودش و چای سومش کردم ولی دلم خنک نشد که نشد.

یک قاشق از ظرف نمک برداشتم، ریختم توی فنجان‌ش و حل کردم، خواستم این‌جور بابت این‌که قرارم با رفقایم را به هم زده‌بود انتقام گرفته‌باشم؛ فکر کردم در بدبینانه‌ترین حالت سرفه‌کنان

### چین و افسانه «ریسمان قرمز نامرئی»

خواستگاری یکی از مفصل‌ترین سنت‌ها در چین است که البته در هر منطقه‌ای از این کشور پرجمعیت یک جور برگزار می‌شود. باور چینی‌ها این است که نتیجه خواستگاری، فقط به سرنوشت بستگی ندارد، آنها تا حد زیادی به ستاره‌شناسی و استفاده از تاریخ‌های خوش‌یمن برای گرفتن نتایج دلخواه‌شان اعتقاد دارند. چین که آداب و رسوم رنگارنگش در دنیا شناخته شده‌است، بخش زیادی از سنت‌هایش ریشه در افسانه‌ها دارد. یکی از همین افسانه‌های چینی می‌گوید هرکسی که به دنیا می‌آید با یک ریسمان قرمز و نامرئی به فرد دیگری متصل شده‌است و این ریسمان به مرور، کوتاه می‌شود تا زمانی که روح این دو، یکدیگر را ببینند. براساس این افسانه وقتی این ملاقات اتفاق بیفتد، فرد نسبت به هرکس غیر از نیمه‌گمشده‌اش احساس سنگدلی دارد. جالب است بدانید برخی خانواده‌های چینی وقتی فرزندشان به سن ازدواج می‌رسد یک «وصلت‌جوکن» استخدام می‌کنند تا برای دخترشان خواستگار را برای پسرشان، دختری مناسب پیدا کند. در روستاهای چین، رسم است این وصلت‌جوکن‌ها همه جوانان شایسته و دختران آماده ازدواج را در مراسمی جمع می‌کنند و در این مراسم، مرد جوانی که



### چه سر به کلاه، چه کلاه به سر

اگرچه خواستگاری دختر از پسر، در فرهنگ ما تا حدی عجیب و خارج از عرف است و حتی در خیلی از کشورهای اروپایی طبیعی و معمول نیست، ولی در برخی فرهنگ‌ها خانم‌ها هم می‌توانند خواستگاری کنند. مردم در این فرهنگ‌ها معتقدند فرقی ندارد کدامیک از طرفین ازدواج برای پیشنهاد پیشگام شده‌باشد. مثلا در اسکاتلند، ایرلند و فنلاند این باور وجود دارد که دختر هم می‌تواند از پسر خواستگاری کند، فقط نکته اینجاست که یک روز از سال برای این موضوع مشخص شده‌است که زنان فقط در آن روز می‌توانند از مردان خواستگاری کنند.

این فرهنگ جوری که انگار بخواهد برای دختران شجاعی که تن به خواستگاری از مردان می‌دهند، پاداشی در نظر گرفته‌باشد، پسری را که به خواستگاری دختر جواب منفی بدهد، به پرداخت خسارت مجبور کرده‌است. یعنی اگر پسری پیشنهاد ازدواج را رد کند، علاوه بر این‌که با این سوال که مگر یک حیوان حمال مغزت را گاز گرفته مواجه می‌شود، باید برای دختر شجاع هدایایی مثل لباس ابریشمی بخرد.

در بعضی کشورهای آفریقایی هم خانم‌ها از آقایان خواستگاری می‌کنند. آنها برای خواستگاری باید یک ظرف ماهی مزه‌دار شده با روغن خرما آماده کنند و آن را با هماهنگی قبلی برای آقا ببرند. اگر پسر ظرف غذا را قبول کند، یعنی پیشنهاد ازدواج دختر را پذیرفته‌است. نکته اینجاست این غذا علاوه بر دست‌ورپخت دشواری که دارد، یک غذای گران قیمت و لاکچری است که در اکثر مواقع آقایان قدرتی در مقابل ظرف ماهی وسوسه‌انگیز ندارند! بنابراین نتیجه این بازی از قبل مشخص شده‌است.

ظن داریم! حتما دائمی است.

این‌که یک نفر تیم کارگردانی استخدام می‌کند تا یک تصادف را جلوی خانه دختر محبوبیش صحنه‌سازی کنند، بعد هم وقتی پسر سر غرق خونش را روی زانو گرفته از جا بلند می‌شود و پیشنهاد ازدواج می‌دهد، یک کمی بیش از اندازه هیجان‌انگیز نیست؟ البته خارجی‌ها گویا جنبه بیشتری هم دارند؛ مثلا به‌نظرم اگر هم‌وطنی از ما در این موقعیت بود، ماشینش را از گازز درمی‌آورد و ۳۳ بار از روی روفی رد می‌شد تا با حلقه‌اش به عنوان درس عبرتی برای آیندگان روی زمین نقش ببندد. در میان همه این خواستگاری‌های عجیب و غریب غربی‌ها، سناریوهای ساده، جذاب‌ترند! مثل آن مورد که در ترن هوایی شهربازی، وقتی محبوبش روی صندلی جلویی نشسته‌بوده، وقت رسیدن جلوی دوربینی که از مسافران ترن هوایی عکس می‌گیرد، دو تکه کاغذی که روی آن نوشته‌بوده «بامن ازدواج می‌کنی؟» را بالا گرفته‌است! دختر هم رفته و عکس را چاپ کرده و درحالی‌که هنوز از هیجان ترن هوایی تپش قلب داشته، از خوشحالی به ارتفاع بلندترین نقطه ترن هوایی بالا می‌پرد و پشت سر هم می‌گوید: «ییس، آی دو»



چند شرکت تبلیغاتی یک آگهی بازگانی ساخته و اجازه پخش گرفته تا وقتی خودش کنار دختر رویاهایش نشسته، آگهی بازگانی پخش شود و خواستگاری کند! اصلا اینها همه به کنار، این مدلی که طرف رفته و در فضای بی‌وزنی خواستگاری کرده دیگر چه صیغه‌ای است؟ ما حسن

### «امر خیر» ایرانی‌ها

جمله معروف «برای امر خیر مزاحم‌تون شدیم» را می‌توان شعار روی پرچم سنت‌های خواستگاری ایرانی نوشت. گذشته از این‌که قومیت‌های مختلف در ایران، آیین و قاعده خاص خود را دارند، رسم و رسومات شهرهای مختلف برای این مراسم تنوع زیادی در سناریوی مراسم خواستگاری ایجاد کرده‌است. مثلا کردها که به خواستگاری «خوازمی» می‌گویند، رسم دارند یک نفر از خانواده داماد دست همه اعضای خانواده عروس را ببوسد و به آن مراسم «دست‌ماچ‌کده» می‌گویند. لر‌ها که در گویش خود این مراسم را «کیخایی» صدا می‌کنند، رسم این است که بعد از تعیین شیربها، پدر عروس اگر دلش بخواهد بخشی از شیربها را به داماد می‌بخشد، اسم این حرکت پدر عروس، «ته‌دستمالی» دادن است. خواستگاری میان اعراب خوزستان «المشایه» نام دارد؛ مادر خانواده داماد به منزل دختر می‌رود و اگر او را پسندید، می‌گوید: «مکانکم مفروشه» یعنی «جای شما فرش شده‌است!» شیرازی‌ها جواب مثبت و منفی به خانواده پسر را مستقیم نمی‌دهند، آنها با نوع نوشیدنی پذیرایی مشخص می‌کنند که او «آقا داماد» است یا «به خواستگار داشتیم که...» شیرازی‌ها اگر نظر مثبتی داشته‌باشند با شربتی شیرین از مهمانان پذیرایی می‌کنند ولی اگر نظر آنها منفی باشد و وصلت را کان لم یکن بدانند، یک سینی چای ساده در مراسم می‌چرخانند.

در حاشیه دریای خزر هم رسم‌های رنگارنگی برای خواستگاری داریم، خانواده دختر در بعضی از خانواده‌های شمالی کشور، نخ و سوزن می‌آورند تا به اصطلاح دهان مادرشوهر و خواهرشوهر را بدوزند! مازندرانی‌ها هم قدیم‌ترها خانه دختری را که از او خواستگاری کرده‌بودند، با پارچه‌های رنگی و محلی می‌پوشاندند و بعد از آن‌که دختر خانواده عروس می‌شد از آن پارچه‌ها برای خودش لباس‌های شمالی می‌دوخته‌است.

### قهوه شور برای داماد ترک‌ها



یکی از اصلی‌ترین سنت‌های ترکیه در مراسم خواستگاری این است که حتما یک بزرگ‌تر از طرف خانواده دختر و یک بزرگ‌تر از خانواده پسر حضور داشته‌باشند، حتی اگر دختر و پسر کسی را برای بزرگ‌تری نداشته‌باشند، از فامیل دور یا حتی از همسایه‌ها یک ریش‌سفید را به مراسم دعوت می‌کنند.

اما جالب‌ترین رسم در ترکیه، پر کردن فنجان قهوه داماد از نمک است. آنها قهوه داماد را آنقدر شور می‌کنند که نوشیدنش غیرقابل تحمل باشد. داماد آینده هم باید قهوه را تا ته سر بکشد و این‌طور عشق و اشتیاقش را به همسر آینده‌اش نشان دهد.

آقای داماد آخر مراسم خواستگاری یک هدیه ساده به عروس آینده خود می‌دهد، یک هدیه خیلی ساده! مثل چند شاخه گل رز. این سادگی فقط برای هدیه نیست، داماد باید برای خودش و عروس حلقه‌های ساده‌ای هم انتخاب کند. ترک‌ها از یک روبان قرمز برای وصل کردن دو حلقه به هم استفاده می‌کنند، این‌طور که هر طرف از روبان را به یکی از حلقه‌ها گره می‌زنند. اگر همه‌چیز تا آخر مراسم خوب پیش برود، عروس و داماد دست بزرگ‌ترها را می‌بوسند و روی پیشانی می‌گذارند؛ بعد هم یکی از بزرگان حلقه‌هایی را که با روبان قرمز به هم وصل شده‌اند، به دست زوج جوان می‌اندازد و همین‌طور که از خدا برایشان خوشبختی آرزو می‌کند، با یک قیچی روبان را قیچی می‌کند و می‌گوید: «خدا شما را از هم جدا نکند.»